

ایران

مسابح امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/۱۰ | اذان مغرب ۲۰/۴۱ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۹ | اذان صبح فردا ۴/۱۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۵

امام علی علیه السلام:

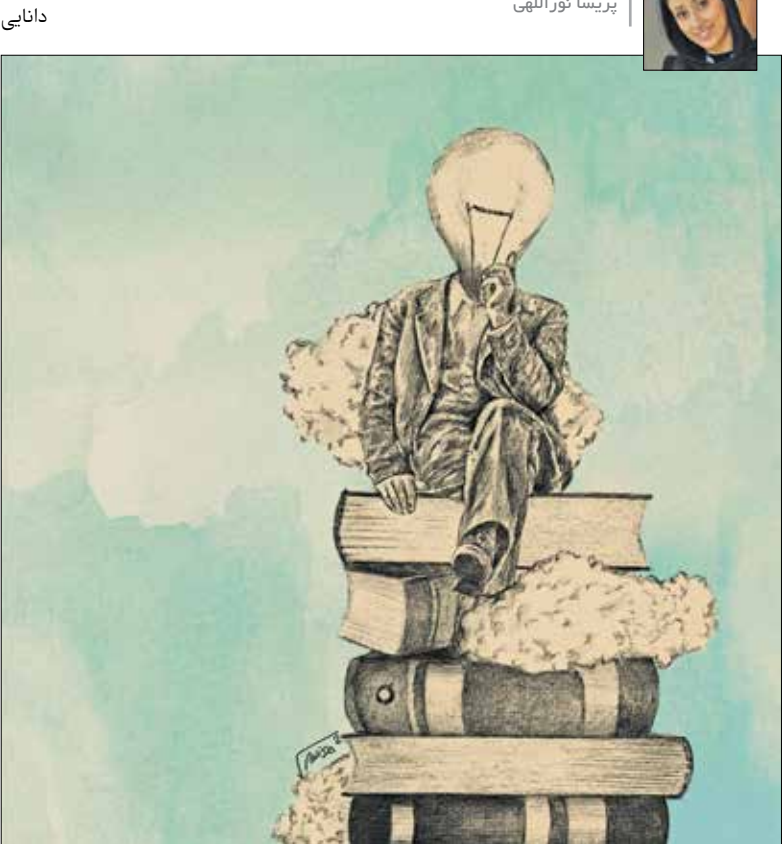
زبان خود را به نرم‌گویی و سلام کردن عادت ده، تا دوستانت زیاد و دشمنانت کم شوند.

سخن روز

«غررالحکم، ج ۱۶۳۱»

نگاره

پریسا نورالهی



با اکران جدیدترین اثر اصغر فرهادی و بازتاب گسترده فیلم «قهرمان» در جشنواره کن اهالی سینما در فضای مجازی ابراز خوشحالی کردند. از سوی دیگر خبرهایی از فعالیت سعید پورصمیمی بازیگر سینما و تئاتر یکی دیگر از خبرهای خوبی است که باعث می‌شد این روزهای سخت کمی آسان شود.

مایه افتخار ایران

هنرمندان زیادی از ایران به اصغر فرهادی در مقام کارگردان و امیر جدیدی بازیگر این فیلم تبریک گفتند اما محور همه تبریک‌ها حول افتخار سینمای ایران و ایران می‌گشت.

بهمن فرمان‌آرا به عنوان تهیه‌کننده‌ای که فعالیت‌های بین‌المللی در کارنامه خود داشته است در صفحه خود اینگونه به فرهادی و جدیدی تبریک گفت: «اصغر فرهادی و امیر جدیدی افتخار سینمای ایران.»
امیر آقایی هم نوشت «این روی دیگر ایران است.»
عاطفه رضوی، لیلدا کیایی، پدram شریفی، هومن سیدی، مارال بنی‌احمدی، محسن تنابنده، هستنی مهدوی‌فر، همایون غنی‌زاده و محمد کارت از هنرمندانی هستند که این حضور را تبریک گفتند.

چهره‌ها



مجدد انتظامی آهنگساز هم در صفحه خود از انتشار موسیقی سریال «محاکمه»

نوشته است: «قرار است اواخر مردادماه در سالروز درگذشت پدرم، موسیقی سریال «محاکمه» را که در آن بازی کرده بود، به صورت دیجیتال منتشر کنیم. همین طور یک مجموعه گلچین از موسیقی فیلم‌های عقاب‌ها، پلک، وصل نیکان، آخرین پرواز، گدازگار، بوتین، راه افتخار، ترن و دوئل منتشر می‌شود و در نظر داریم تا پایان سال موسیقی سریال‌های مریم مقدس و گرگ‌ها را نیز منتشر کنیم.

از **دکتر ژاله آموزگار** ویدیویی منتشر شده که از دگرپسی شاعرانه و دلنشین شخصیت‌های اساطیری و شاهنامه‌ای در آثار بهرام بیضایی سخن گفته است. ویدیویی که در صفحات دوستدار شاهنامه، تئاتر و البته صفحه پاسداشت یک عمر فعالیت هنری بهرام بیضایی منتشر شده است.

ستاره پسiani بازیگر تئاترو سینما هم خبر از فعالیت جدید خود داده است. او در صفحه خود خبر از همکاری با رادیو کردون داده است که داستان‌های کوتاه جایزه ارغوان را می‌خواند. او این بار داستان «صدایی که هم اکنون می‌شنوید» از نوشته‌های زینب ذوالفقاری را خوانده است که موسیقی آن بر عهده مانی مرکزی است. این داستان از برگزیده‌های سومین دوره جایزه ارغوان است.

پرویز پرستویی این روزها تنها مشغول بازیگری نیست او مطالب زیادی را در صفحه اینستاگرام خود به انتشار می‌گذارد و با توجه به طیف گسترده مخاطبی که دارد، در حوزه‌های اجتماعی و خبریه هم حساسی فعال است. او در پست اخیر نوشته است: «فرزندان خود را طرد نکنیم! همه اشتباهاتی داریم. با طرد فرزندان‌مان نه تنها مشکل آنها حل نمی‌شود، بلکه ده‌ها مسأله دیگر نیز به زندگی‌شان اضافه می‌گردد.»

علیرضا قربانی هم قطعه «دیر است» از آلبوم «صداها و پل‌ها» با همکاری الکای بایر خواننده اپرای ساکن لندن از کشور ترکیه با حضور موزیسین‌هایی از کشورهای آمریکا، ایران، ترکیه و انگلیس برای شما به اشتراک گذاشته است و اعلام کرده است: «علاقه‌مندان می‌توانند از طریق مراجعه به لینک یبو صفحه اینجانب، این آلبوم را پیش‌خريد کنند.»

خبرها

حضور دوباره **سعید پورصمیمی** در نمایش «خوشدلان» به عنوان نمایشنامه‌نویس خبری بود که پربازد سیف داد. او در صفحه اینستاگرام خود نوشت که قصد دارد بعد از پایان شرایط کرونایی تئاتر، این نمایش طنز را به روی صحنه ببرد. سیف با پورصمیمی در نمایش «آواز قو» کار کرده بودند. این کارگردان ابراز امیدواری کرد که سعید پورصمیمی در کار او به عنوان بازیگر حضور داشته باشد.

نشر چشمه هم خبری خوب برای کتابخوانان علاقه‌مند به دنیای تاریخ دارد. کتاب «عشق غریبه‌ها» نوشته نایل گرین با ترجمه امیرمهدی حقیقت عنوان جدید این انتشارات است که در شرح آن آمده است: «دانشجویانی که عباس میرزا به انگلستان اعزام کرد، نخستین ایرانیانی نبودند که به انگلستان چین آستین راه می‌یافتند. در ۱۸۰۹ اولین سفیر ایرانی پا به لندن گذاشته بود. در آن سال، ورود سفیری خوش قیافه از ایران توجه اشراف‌زادگان عصر نیابت سلطنت و علاقه زنان را جلب کرده بود. نامش ابوالحسن خان بود و برای برقراری روابط سیاسی تازه‌ای میان انگلستان و ایران، به عنوان دو متحد علیه ناپلئون، اعزام شده بود. ابوالحسن‌خان که توانست خود را در دل طبقه اعیان لندن جا کند، مسیر محصلانی را هموار کرده بود که شش سال بعدتر وارد انگلستان می‌شدند.»



از مصحبت‌های کارگردان «آپچی» با مهر

چالش‌های اقتباس از داستان برای نمایش‌های صحنه‌ای در حوزه کودکان

ایستادن روی مرز صحنه و کتابت

می‌کنید، از تپه دیگری بالا می‌روید، پایین می‌آیید، توقف می‌کنید و... اما هرگز از کوه بالا نمی‌روید - و هرگز دورتر از پای تپه نخواهید رفت- بنابراین، موضوع نمایش، خلق یک طرح داستانی با استفاده از تمام آسان هم نخواهد بود. وقتی کتابی را برای اقتباس انتخاب می‌کنیم، باید سعی کنیم وارد ذهن نویسنده شویم و بفهمیم او واقعاً در پی چه چیزی بوده است؟ سعی کنیم اجزایی را که باعث شده‌اند داستان او تا این حد محبوب شود تجزیه و تحلیل کرده و آنها را به شکل نمایشی، ارائه نمایشی، بدون شک، وفادار بودن به کتاب، به معنی دنبال کردن کورکوانه تغییر و تحول‌های طرح داستان نیست؛ یا به این معنا نیست که نمایشنامه‌نویس نمی‌تواند دیالوگ یا حتی شخصیت‌های جدید خلق کند، بلکه منظور این است که معنا و ساختار اصلی کتاب حفظ شود و داستان مرکزی باقی بماند، درغیراین صورت چه دلیلی برای اقتباس از آن وجود دارد؟ ویژگی‌هایی که باعث می‌شود یک کتاب ارزش اقتباس را داشته‌باشد بدون شک همان معنا و ساختار اصلی کتاب است که به‌هر قیمتی باید حفظ شود. گاهی ممکن است از خود بپرسیم ارزش نوشتن یک نمایشنامه اورژئنا (غیراقتباسی) بیشتر است یا اقتباس از یک داستان؟ جواب‌دادن به چنین سؤالی کاری غیرممکن است. نوشتن یک نمایشنامه غیراقتباسی، در نهایت بسیار رضایت‌بخش‌تر است چون کل مضمون، شخصیت‌ها و اتفاقات، برگرفته از خلاقیت خود نویسنده است، اما اقتباس هم کار کم‌ارزشی نیست. در اقتباس، شخصیت‌ها و موقعیت‌ها، حاضر و آماده تقدیم نویسنده می‌شود اما به‌هر حال همه‌چیز باید در قالب صحیح نمایشی تنظیم گردد. اغلب برای کسانی که اولین‌بار است در خصوص کودکان می‌نویسند، اقتباس، روش ایده‌آلی برای شروع است. در این‌صورت، کتابی را برای اقتباس انتخاب کنید که دوستش دارید، تحسینش می‌کنید و می‌توانید به آن وفادار باشید.

از بازی حیرت‌انگیز هاپکینز تا نقاشی‌های پیترو دوپگ

اگر تا به امروز فیلم سینمایی پدر (The Father) به نویسندگی و کارگردانی فلوریان زلررا ندیده‌اید، در تعطیلات آخر هفته فرصت تماشای این فیلم با بازی حیرت‌انگیز آنتونی هاپکینز را از دست ندهید. این فیلم داستان پیرمردی است که گرفتار بیماری آلزایمر شده و دخترش از او مراقبت می‌کند. هاپکینز برای بازی در این نقش اسکار بازیگری را به چنگ آورد. من معتقدم هاپکینز آنقدر مقتدر در نقش کسی که دچار زوال عقل شده ظاهر شده است که با دیدن این فیلم انسان از سرنوشت محتوم خود می‌هراسد. همچنین روایت داستان با قدرت و دقت فراوان از سوی کارگردان پیش می‌رود و بیننده با تمام حواس خود در فیلم دنبال حقیقت می‌گردد.

خواندن کتاب «روایت بازگشت» زندگینامه‌ای به قلم هشام مطر با ترجمه مژده دقیقی برای من تجربه بی‌نظیری بود و تا مدت‌ها رهایم نمی‌کرد. اگر فرصت داشتید حتماً آن را بخوانید. در قطعه‌ای از پیشگفتار این کتاب آمده است: «نیست و دو سال بعد، پس از سرنگون شدن حکومت قذافی، سلول‌های زندان خالی است و از جاب‌الله مطر اثری نیست. ششام همراه مادر و همسرش به سرزمینی بازمی‌گردد که گمان نمی‌کرد دیگر هرگز بتواند بر خاش قدم بگذارد. روایت بازگشت شرح این سفر است. تأمل منحصر به فردی است در تاریخ و سیاست و هنر، تصویری درخشان از سرزمین و مردمی در مرز تغییر است.»

یک پیشنهاد هم برای علاقه‌مندان موسیقی داریم. آثار الکساندر اسکریابین(Alexsander scriabin) آهنگساز و پیانیست روس را گوش کنید. او بین پیانیست‌ها قطعات محبوبی دارد. سونات‌های این هنرمند در عین پیچیدگی لحظات رمانتیک زیبایی دارد که شنونده از گوش دادن به آنها بسیار لذت می‌برد.

در نهایت از شما دعوت می‌کنم سری به نقاشی‌های پیترو دوپگ(Peter Doigi) نقاش اسکاتلندی بزنید که قایی است از طبیعت و انسان با نگاهی هنرمندانه که سرشار است از رنگ و سکون در یک لحظه خاص. در چند تابلوی نقاشی اثر دوپگ شیری در حال قدم زدن در خیابان است، با یک نگاهِ هنرمندانه و تفکر زنباشناسانه از سوی او، چنان در نقاشی غرق می‌شویم که حضور شیر در کنار خیابان را می‌پذیریم و حتی جرات می‌کنیم در آن خیابان پرسه بزنیم.

ژان رنو برای خانم آدینه لایک می‌فرستاد

مرجان اشرفی‌زاده: در جشنواره سال گذشته که تعداد فیلم‌های حاضر در بخش مسابقه کاهش پیدا کرد، سرنوشت حرفه‌ای حداقل ۱۲ کارگردان تغییر کرد. چرا که حضور در جشنواره فجر، تأثیر بسیار عجیبی در دیده شدن و نقد شدن دارد اما متأسفانه زمانی که ویرترین جشنواره فیلم فجر را از دست دادیم، فرصت جایزه گرفتن خانم آدینه در جشنواره فیلم فجر از دست رفت، حتی خانم قاسمی پور می‌توانست به خوبی دیده شود و این حضور قطعاً می‌توانست در مسیر حرفه‌ای عوامل این فیلم تأثیرگذار باشد. اما مسأله این است که این دیده شدن در جشنواره‌های خارجی رخ داد. یعنی من در شهرپکن، زمانی که ژان رنوبرای خانم آدینه لایک می‌فرستاد، برق شادی رادر چشمان خانم آدینه می‌دیدم.

از مصحبت‌های کارگردان «آپچی» با مهر



در انتهای خیابان سرد و خلوت شب صدای پای کسی است که عاشقانه به دنبال نور می‌گردد

دریچه ماه / فریدون مشیری

جوایزی که می‌توانند راهنمای مخاطبان باشند

فراخوان پنجمین دوره جایزه «ابوالحسن نجفی» به‌تازگی منتشرشده، جایزه‌ای که به کتاب‌های حوزه ترجمه اختصاص دارد و برای گرم‌ای داشت زنده‌یاد نجفی مترجمان و اعتلای این بخش و همچنین کمک به تشویق برگزاری می‌شود. با این که زمان چندان‌ی از آغاز برگزاری این رویداد ادبی نمی‌گذرد اما توانسته در مقایسه با دیگر جوایز ادبی به جایگاه خوبی

میان اهالی ترجمه دست پیدا کند. بخش مهمی از چرایی این مساله به بزرگانی بازمی‌گردد که از همان دوره نخست نام آنان به‌عنوان هیات داوران منتشر شد. البته شاید این گفته‌ام حالا که خودم در جمع داوران هشتم درست نباشد؛ اما من این را براساس جایگاه بزرگان جمع داوران جایزه می‌گویم، از حسین معصومی همدانی گرفته تا عبدالله کوشی و... خوشبختانه برگزارکنندگان جایزه ابوالحسن نجفی توجهی جدی به جوانان دارند. به برگزیدگان چهار دوره قبل که نگاه کنید اغلب از میان مترجمان جوان هستند؛ هیأت داوران به سراغ افرادی که اسم و رسمی دارند و شناخته شده‌اند، نمی‌روند. جوان‌ترها را انتخاب می‌کنند تا برای آنان هم فرصتی برای دیده شدن فراهم شود. البته این جایزه بخشی از اعتبار خود را هم مدیون نام زنده‌یاد ابوالحسن نجفی، زبان‌شناس و مترجم مطرح کشورمان است. بی‌اغراق هنوز هم کارهایی که از ایشان در عرصه ترجمه به یادگار مانده از بهترین نمونه‌ها؛ عرصه ترجمه هستند آنچنان که اگر بحث صحبت درباره بهترین مترجمان کشورمان باشد، تقریباً بعید است که نام زنده‌یاد نجفی در فهرست اول تا سومین چهره شاخص قرار نگیرد. هنوز هم رجوع به آثار زنده‌یاد نجفی راه خوبی

برای یادگیری نکات بسیاری در این رابطه است. شاید جالب باشد بدانید، سال قبل شنیدم که یکی از داوران جایزه می‌گفت: «در این جایزه وقتی برای رد کردن یا پذیرفتن اثری تصمیم می‌گیرم سایه استاد نجفی را حس می‌کنم؛ انگار که مراقب است تا به بهترین نحو این دآوری انجام شود.» به هر حال همه می‌دانیم او چقدر در کار خود وسواس داشته و همین سبب می‌شود که داوران هم حساسیت بیشتری در انتخاب‌های خود به خرج دهند و از طرفی همین نقل‌قول گویای تأثیری است که حتی نام‌ایشان بر جایزه و اعتبار آن دارد. از سوی دیگر در شرایطی که بازار ترجمه‌مان به آن دچار شده، این جایزه اتفاق مهمی هست چراکه فرصتی برای بررسی آثار مترجمان از سوی بزرگان این عرصه را فراهم می‌کند. این که مترجمان جوان بدانند امکان بررسی ترجمه آنان از سوی بزرگان این عرصه وجود دارد دلگرمی بزرگی است و چه تشویقی بالاتر از این. اما نکته دیگری که نباید فراموش کرد به تأثیر این جوایز بر جامعه کتاب‌خوان بازمی‌گردد. از طریق بررسی آثار در این جایزه فرصتی برای مخاطبان ایجاد می‌شود که بتوانند با کتاب‌های بر‌خوردار از سطح قابل قبول استاندارد‌ها آشنا شوند. البته این تنها

محدود به همان کتاب‌ها نیست؛ می‌تواند خیال مخاطبان را از سطح دیگر کارهای آن مترجمان هم راحت کند. از سویی این تنها شامل کتاب‌های برگزیده نیست، حتی کتاب‌هایی که به مراحل نهایی دآوری راه یافته‌اند اما انتخاب نشده‌اند هم می‌توانند آثار قابل قبولی برای مطالعه باشند و اینها کار مخاطبان را در خرید کتاب راحت‌تر می‌کند.

عکس نوشت

این روزها که به دلیل کرونا تاکید بر سفر نکردن است، می‌توان

در فضای مجازی سری به موزه‌هازد. خبرگزاری میراث آریا گزارش تصویری از موزه هنرهای تزئینی ایران گذاشته است. عمر این ساختمان به دوران صفویه برمی‌گردد و در سال ۱۳۷۳ توسط سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان مورد مرمت اساسی قرار گرفت و تابستان ۱۳۷۵ گنجینه‌های هنرهای تزئینی ایران رسماً افتتاح شد و مورد بهره برداری قرار گرفت.

